

خرابکاری به نفع کیست؟

اخیراً بحث پیرامون حزب دموکراتیک خلق افغانستان - حزب وطن، نقش و اهمیت سیاسی آن در جامعه و در وقایع و حوادث تاریخی - سیاسی و به طور خاص ششم جدی ۱۳۵۸ و "ورود" قطعات نظامی اتحاد شوروی (وقت) ابعاد نوین و گسترده یافته است

این بحث ها با تصورات و انگیزه های متفاوت از زوایای مختلف برداشت و برخورد همراه با گمانه زنی ها و تلاش برای کشفیات جدید انجام میابند.

عده با باد به غب غب و با چهر از خود راضی به لجن پراگنی به سوی حزب، برنامه، مشی سیاسی و نقش آن در حوادث تاریخی ده های اخیر میپردازند و آنرا به مثابه "بحث علمی" به خورد میدهند و عده هم ضمن چنین "بحث علمی" خود را حتی "شرمسار" از عضویت در آن، در بازار "سیاست" های بی ارزش و ارزان به نمایش می گذارند!

به این همه چرند و پرند همراه تخیلات هوس الود و بیمار گونه چه میتوان نام نهاد؟ همه چیز، جز چیزی که به تفکر، تیوری و سیاست که به تمرکز توجه و مساعی به اعمار یک افغانستان نوین و دموکراتیک و یک حیات شایسته برای مردم ما - کمک نماید!

اما عده هم کاملاً ماهرانه و خزیده چنین بحث ها را با هدف جلوگیری از پیدایش یک حزب نیرومند و مبارز برخاسته از میان مردم، خدمتگذار و پیشاهنگ سیاسی جسور مردم در مبارزه برای عدالت، آزادی، کار و ترقی، به اشتراک اعضا و هواداران حزب دموکراتیک خلق افغانستان - حزب وطن - تحریک و سازمان میدهند.

واقعیت چیست؟

کنون ما با واقعیت سرسخت عدم موجودیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان - حزب وطن در صحنه سیاسی کشور با نام وهویت سیاسی سابق آن، با وضع کاملاً متفاوت در کشور، جهان و سیاست های بین المللی سریعاً تغییر یابنده وسیال سرو کار داریم،

قبل از تسلیم دهی حاکمیت حزب و متحدین آن، عده از اعضا و مقامات "بلند پایه" حزب به نحوی از انحا نه تنها حزب را ترک گفتند بلکه داشتن ارتباط و پیوستن خود را به دسته جات مخالف، افاده و ابراز نمودند

اوضاع سیاسی کشور در استانه تسلیم دهی حاکمیت حزب و متحدین آن که دران گروپ های مختلف در داخل حزب با اراه برخورد های سیاسی کاملاء متفاوت برای حل مسایل و دشواری های سیاسی کشور عملاً در برابر همدیگر صف ارایه کردند، دیگر اعتبار، و اعتماد سیاسی مردم و اعضای آن را به حزب و توانایی آنرا را در رهبری مردم به سوی اهداف تعیین شده ان صدمه جبران نا پذیر زد.

مختصر: حزب در استانه تسلیم دهی حاکمیت آن عملاء نقش و موجودیت سیاسی خود را به مثابه حزب دموکراتیک خلق — حزب وطن از دست داده بود، و وضع که سر انجام به اعلام "لغو حزب ... " منجر گردید!

از این رو سوال میشود با چه هدف و یا هوس این همه هیا هو، منفی بافی های "دانشمند مابانه" ولجن پراگنی به سوی حزب دموکراتیک خلق افغانستان — حزب که دیگر در عمل با این نام وجود سیاسی ندارد، براه انداخته میشود و چرا؟

تلاش برانگیختن شک در مورد یکی از صفحات درخشان نبرد حزب در راه اندیشه ها و اهداف پیشبینی شده در برنامه و سایر اسناد حزب انهم در دوران که اعضای حزب در برابر اختناق و ترور به پا برخاسته بودند، میتواند سر فرود آوردن و سکوت در برابر استبداد، بی عدالتی و وضع شرم اور اقتصادی — اجتماعی کشور، درک گردد.

حاصل این کار زار و خاک بازی سیاسی چیست؟ چه از این کار زار بدست آورده شده است؟ مسله اساسی در سیاست در اوضاع کنونی کشور کدام است؟

چنین به نظر میرسد که این همه تلاش و تقلا جلوگیری از اتحاد نیرو های دموکراتیک کشور، استحکام و تکامل آن و سرانجام پیدایش یک حزب نیرومند برخاسته از میان مردم ورنج های بیکران آن، پیشاهنگ سیاسی مبارز و جسور مردم در مبارزه برای آزادی، عدالت و ترقی با اشتراک فعال اعضا و هواداران حزب دموکراتیک خلق افغانستان — حزب وطن، را هدف گرفته است.

برای ده هاهزار عضو و هوادار حزب که آگاهانه و با شجاعت و فداکاری بی نظیری در راه اعمار یک حیات شایسته برای مردم نگون بخت ما و یک افغانستان دموکراتیک و نوین، یک افغانستان نیرومند بر خاستند، جان و سلامتی خود را از دست دادند، زندان های مخوف و مرگبار، شکنجه های غیر قابل تصور را تحمل کردند و بدینسان پرچم حزب — پرچم نبرد برای ارمان ها اندیشه ها، اهداف فروزان آزادی، عدالت و کار را همچنان بر افراشته نگه داشتند — مبارزه برای تحقق اهداف آنها و دوام راه رفته آنها، مسله اساسی، تحفه سیاسی — اخلاقی و ادا احترام در برابر گور آنها و ماندگان است و نه پرداختن به به چنین به اصطلاح بحث

های " علمی " و نه هم هوچی گری و سالوسی های بچه گانه و بی ارزش !

حزب دموکراتیک خلق افغانستان — یک فرصت و یک چانس تاریخی

پیدایش حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه ره آورد تاریخی — طبیعی مبارزات مردم ستمدیده ما برای آزادی، یک زنده گی شایسته و یک افغانستان نوین و پاسخ روشن به چلنج سیاسی بود که تاریخ کشور و زمان در برابر نیرو های دموکراتیک و ترقیخواه کشور قرار داده بود — است.

حزب با داشتن برنامه اقتصادی — اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روشن، معقول و مستدل، با اراه راه های، وسایل و شیوه های سنجیده شده و دموکراتیک برای دستیابی به اهداف و با داشتن بیشترین کادر ها متخصصین و وطنخواه — یک فرصت و یک شانس واقعی تاریخی برای مردم رنج کشیده ما و برای کشور ما بوده است — فرصت و شانس که نا بخردانه و کوتاه نظرا نه از مردم ربوده شد. حزب با متانت و دور اندیشی در شرایط عقب افتاده گی شرم اور اقتصادی — اجتماعی، فقر و بی سوادی اکثریت قریب به اتفاق مردم به نام " رنج های بیکران خلق " پرچم مبارزه را برافراشت و به مصاف دشمنان کهنه کار آزادی، عدلت، کار و ترقی شتافت،

در حالیکه جنبش تازه به پا خاسته دموکراتیک برای ترقی در کشور به وسیله نیرو ها و تمایلات چپ نما و راست افراطی با طرح اهداف، شیوه ها و شعاره ها افراطی، ماجراجویانه و کاملاً وحشیانه تحت فشار و مورد تهدید قرار گرفته و در برابر رشد و تکامل ان قرار گرفته بودند.

افراطیون چپ با شعار های " مبارزه قهر امیز" علیه دولت, "قدرت سیاسی از لوله تفنگ میبراید!" "انقلاب و خونریزی بی حساب", وارد میدان شدند, قانون اساسی را "کتابچه شیطان" خواندند, مبارزات مسالمت امیز و قانونی را "تسلیم طلبی", پارلمان افغانستان را "باغ وحش", امپریالیسم را "ببر کاغذی" و استالین را هم "پیشوای طبقه کارگر جهان" و خود را "کمونیست" های وفادار به اصول "مارکسیسم – لینیسم" به نمایش گذاشتند!

به این هم بسنده نکردند, همه انهایی را که این اهداف, شیوه ها و شعار ها را رد میکردند به مثابه "تسلیم طلب", "وطن فروش", "خاین" و "رویزیونیست" محکوم کردند!

و نیرو های راست گرا و افراطی به مثاب ممثل شیر ترین نیرو ها و حلقه های ضد هر نوع ازادی, دموکراسی و ترقی, با ترور افراد و شخصیت های ترقی خواه, تیزاب پاشی به صورت و و پا های زنان و دختران افغان, حمله با کارد, "دانگ" (چوب) به تظاهر کننده گان دانشگاه کابل سر بلند کردند. ترور عبدالرحمان در لغمان, سیدال در کابل نمای بارز از دست آورد های آنها پیش از حوادث ثور ۱۳۵۷ و هویت اصلی آنها اند.

همه آنها کنون ما شالله "دموکرات" شده اند, مهر سکوت را در برابر "ببر های کاغذی" و "کفار" به لب زده اند و بیشتر از این از آنها کمک هم میگیرند! خوب. مبارک شان باشد!

حقایق نشان میدهد که این همه نفرت, نابخردی و کوتاه نظری در طرز برداشت, تفکر و رفتار آنها همچنان پا بر جا است!

مردم خردمندانه میگویند: خو و خصلت را که دایه بدهد تنها مرده شو میتواندانرا بردارد

در یک چنین شرایطی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خردمندانه, دوراندیشانه و با متانت سیاسی برنامه "تحولات کیفی, بنیادی و سریع" اقتصادی – سیاسی, اجتماعی, فرهنگی – برنامه انقلاب ملی – دموکراتیک را, طرح و برای انجام عملی ان به پا خاست:

راه رشد اقتصادی – اجتماعی غیر سرمایه داری

حزب دموکراتیک خلق افغانستان راه رشد و نظام اقتصادی – اجتماعی بازار آزاد همراه با حمایت از طبقات, اقشار و لایه های نا توان و فقیر جامعه,

تشویق، حمایت و کمک به سرمایه گذاری های خصوصی همراه با تقویت سکتور دولت را به مثابه نظام مناسب برای کشور ما

وبدینسان نظام اقتصادی – اجتماعی نه سرمایه داری و نه هم سوسیالیستی بلکه نظام غیر سرمایه داری را برای مردم ما و رشد و ترقی سالم، متوازن و معقول اراه کرد، نظام که امروز کشور بزرگ جهان در باره ضرورت استقرار آن بحث میکنند!

افغانستان تحت رهبری حزب هم دارای یک چنین نظام اقتصادی – اجتماع بود، نظام که در غرب حسب ضرورت به آن "کمونیسم" هم نام گذاشتند!

حزب برنامه "تحولات کیفی، بنیادی و سریع اقتصادی – اجتماعی و فرهنگی" با اشتراک تمام (در عمل) طبقات، اقشار و لایه های اجتماعی کشور یعنی :

برنامه انقلاب ملی – دموکراتیک به معنی تحولات بنیادی – کیفی و سریع بر پایه قانون و بدون خونریزی و نه انقلاب "سوسیالیستی" و "یا" انقلاب" مشابه را طرح و در عمل هم در تحقق آن کار های عملی را انجام داد

حزب برای دستیابی به اهداف مطروحه در برنامه (مرامنامه) راه ها، وسایل و شیوه های ممکن و معقول که قانون آن را پیشبینی میکرد در نظر میگرفت :

راه ها، وسایل و شیوه های قانونی، مسالمت آمیز و دموکراتیک دستیابی به این اهداف را طرح و در عمل آنرا با متانت سیاسی دنبال کرد!

و حزب به طور خاص قبل و بعد از پلینوم ۱۸ کمیته مرکزی گام های استوار را در راه انتقاد از خود برداشت،

دست آورد های حزب در ساختمان اساسات اقتصادی – اجتماعی و سیاسی – فرهنگی کشور
الضهر من الشمس است!

یک مثال کوچک:

برای اولین بار در تاریخ افغانستان، حزب برنامه رشد اقتصادی – اجتماعی متوازن مناطق عقب افتاده کشور را طرح و گام های عملی برای تحقق برداشت.

به عنوان نمونه یکی از عقب افتاده ترین مناطق کشور – "هزاره جات" نه تنها با کار های مستقیم اقتصادی – اجتماعی بلکه برنامه درو اندیشانه تجهیز منبع و بنای اصلی کار و ترقی این منطقه یعنی انسان در آن را عملی کرد،

برای اولین بار در تاریخ کشور همه ساله صد ها جوان هزاره (اعم از پسر و دختر) نه تنها در موسسات تحصیلات عالی و مسلکی داخلی راه یافتند بلکه برای تحصیلات عالی به خارج از کشور فرستاده شدند!

حاصل این سیاست کنون صد ها داکتر، انجنیر، حقوق دان، معلم... با تخصص عالی فرهنگ عالی است!

برای نخستین بار نماینده مردم هزاره نه برای نمایش و فریب بلکه بر پایه اصول بنیادین حزب ریاست حکومت را در یکی از دشوارترین شرایط به عهده داشت

مقایسه بفرمایید این حقایق غرور بر انگیز را با طرز دید و کارنامه رژیم های مستبد و فاسد که کنون کاملاً عیان است: زنان مردم هزاره در سمچ ها، مغاره ها و گراج های نمناک نشاندند و مورد تعدی و سو استفاده قرار دادند و مردان آنرا به "حمال" و یا "جوالی" بودن محکوم کردند! داغ ننگ و شرم برا انها!

عفو عمومی و آزادی زندانیان سیاسی پس از ششم جدی ۱۳۵۸، به شمول آزادی زندانیان سیاسی مخالف حزب که بلافاصله سلاح بدست آوردند و کشور و مردم خود را هدف گرفتند در حالیکه در نخستین بیانیه قبل از عفو عمومی آزادی، فعالیت ازادانه احزاب سیاسی مطرح گردیده بود!

تزه های شانزده گانه کمیته مرکزی حزب و برخورد نوین حزب به مسایل، دشواری های سیاسی کشور و حزب

طرح برنامه مصالحه ملی، دست کشیدن از انحصار قدرت سیاسی، گام های بود که مردم ما به خاطر دارند.

افشای وانتقاد صمیمانه و بی نظیر حزب بر اشتباهات سیاسی اسفبار خود به نحوی که هیچ گروه و دسته سیاسی مخالف آنرا نکرده بود!

تحمیل حوادث خونین و جنایات به وسیله یک گروه کوچک را نباید به حساب ده ها هزار دگر اندیش در حزب که به راه ها، وسایل و شیوه های دیگر را برای دستیابی به اهداف معتقد بودند، حواله کرد.

این جنایات پیش از همه و بیش از همه به حزب دموکراتیک خلق افغانستان (همه جناح های سالم و دموکراتیک آن) معطوف گردیده بود..

خوب. پس چه چیزی آقایان را از عضویت در حزب نادم و " شرمسار " میسازد و آنها را این همه به کرشمه بازی با این و آن دل بسته ساخته است؟

نظام اقتصادی — اجتماعی — راه رشد غیر سرمایه داری — مطروحه به وسیله حزب؟ برنامه تحولات ملی — دموکراتیک؟ راه ها، وسایل و شیوه های قانونی و دموکراتیک برای رسیدن به اهداف و یا افشاگری و انتقاد بیرحمانه از اشتباهات و خطاهای خود؟

کدامین این ها آقایان را " شرمسار " میسازد و چنین سبکسرانه در کهنه بازار سیاست چنین ارزان و بی ارزش به جلوه فروشی وامیدارد؟

کدام یک از گروه های مخالف چه اهداف، استراتژی و مشی سیاسی مطرح کردند و از همه مهمتر چه چیزی را در تمام دوران موجودیت و فعالیت آنها — به مردم ما اراه و عرضه کردند که این همه به آنها دل بسته اند؟

آخر ۲۲ سال بعد از تسلیم دهی حاکمیت حزب و متحدین آن، چه چیزی را مردم ما بدست آوردند؟ شاید صلح که مردم چنین حزن انگیز تشنه آن اند؟!؟

بلی، در سیاست به طور کلی در سیاست ها و روابط سیاسی دارای اهمیت بزرگ و تعیین کننده برای یک کشور، مردم و یا ملل به طور خاص دگم و دشمنی مطلق پدیده است بیگانه، اما قبل از همه باید دید کدام نیرو سیاسی — اجتماعی در جامعه کدام استعداد، امکان و ظرفیت سیاسی برای دستیابی به کدام اهداف را دارند؟

آنچه به ده ها هزار عضو، هوادار حزب و متحدین آن که در راه یک افغانستان و یک حیات مسعود برای مردم، به نفع انسان زحمتکش کشور ما بود، برحق، خردمندانه بود — چیزی که جهان کنون به حقانیت آن واضحا اعتراف میکند، موجب افتخار، غرور و سر بلندی آنها است!

بگذار فرزندان مان، نسل های نو، راه رفته پدران خود افتخار کنند، اشتباهات آنها را اصلاح کنند و اندیشه ها، وسایل، راه ها و شیوه های نوین و بهتر را اراه کنند!

حزب و قیام نظامی ثور افسران انقلابی کشور

واقعیت این است که جناح، گروه ها و حلقه های مختلف در حزب به قیام نظامی افسران انقلابی نگاه، برخورد و برداشت های متفاوت در باره ضرورت، زمان و درستی قیام، داشته اند این حقیقت درست از همان لحظات نخستین کامل و واضح گردیده بود

این حقایق را روزنامه های دولتی، رادیو، تلویزیون (درست در همان آغاز) و در نشرات و بیانیه های رسمی پس از این قیام به وضاحت انرا مکرراً نشر و پخش کرده اند.

عده انرا یک انقلاب سوسیالیستی بر اساس "ایدیولوژی دوران ساز طبقه کارگر" به خورد میداد — چیزی مستقیماء مخالف خطوط اساسی اهداف رسمی مطروحه پس از قیام، بود

در حالیکه جناح ها، گروه ها و حلقه ها و شخصیت های سالم اندیش و قبل از همه جناح پرچم حزب انرا قیام برای انجام تحولات

دموکراتیک — ملی درک و برای ان مبارزه میکردند.

برای نیروها و تمایلات سالم و دموکراتیک در حزب ثبات سیاسی در کشور به مثابه یک ضرورت مبرم سیاسی برای رشد مستدام نهضت دموکراتیک کشور، تحکیم، تقویت و تعمیق وحدت مجدد حزب، تحکیم و توسعه انستیتوت های دموکراتیک، حاکمیت قانون — مطرح بود

این واقعیت به اسانی قابل درک است که وحدت حزب و بدینسان پیدایش و حضور بزرگترین و موثرترین سازمان سیاسی وطن دوست و ترقی خواه در صحنه سیاسی کشور، شرایط و بنیاد سیاسی مساعد را برای انکشاف سالم و قابل پیشبینی اوضاع سیاسی — اقتصادی کشور به وجود میآورد و به جلوگیری از هرنوع ماجراجویی سیاسی — نظامی خدمت میکرد!

این اختلافات سرانجام به وضع سیاسی — اجتماعی منجر گردید که مردم انرا فراموش نخواهند کرد!

این است حقیقت مسجل اختلاف در درک و برداشت، برخورد و سیاست در رابطه به قیام مسلحانه افسران انقلابی در ثور ۱۳۵۷ و اهداف آن!

در حالیکه نشانه های واقعی بحران سیاسی - امنیتی در کشور به وضاحت به نظر میرسید. درست دو هفته بعد از قیام ثور بیش از ۵۰۰۰ فرد مسلح متشکل از دسته جات به اصطلاح مجاهد و ملیشای پاکستانی در داخل خاک افغانستان با هدف حمله به مراکز شهری ولایت ننگرهار و قرار گاه "غند مرکز تعلیمی" در اطراف منطقه وزیري، منطقه که در آن "غند" قرار داشت، جا بجا شده بودند.

بدینسان عده در حزب و دولت نه بر ضرورت تمرکز توجه به مبارزه آگاهانه و هدفمندانه برای عملی ساختن اهداف مطروحه دولت و مبارزه علیه عوامل داخلی و مداخله گران خارجی، بلکه به تصفیه حساب با حزب، جناح ها، گروه ها و حلقه های دیگر اندیش در داخل آن با فشاری میکرد. این "سیاست" و عواقب هولناک و اسفبار آن کزینه دیگر جز دوام مبارزه برای تحقق اهداف حزب و بدینسان گذار به شکل مخفی مبارزه، باقی نگذاشت.

حزب در شرایط گذار به مبارزات مخفی

گذار حزب به شکل مخفی مبارزه یک نه یک امر تصافی و هوس آمیز و نتیجه تصمیم عده ای بلکه پی امد طبیعی - منطقی سیاست ها، اقدامات و عملیات گروه حاکم در رهبری دولت که عملاً حزب و اهداف مطروحه قیام ثور را هدف قرار داده بود و سرانجام قیام کنندگان را در خون آنها غرق ساخت - نمود روشن مقاومت و مبارزه ضد خود سری، استبداد، مورد تایید و پشتیبانی بی نظیر، آگاهانه و مسولانه هزاران عضو حزب در سراسر کشور و تفاهم و درک در همه جناح ها، گروه ها و حلقه ها، قرار داشت.

نبرد بی امان حزب در شرایط به نحو تصورنا پذیر دشوار سیاسی همچنان پرچم مردم افغانستان راه به اهتزاز در آورد، نشان روشن اعتقاد، صداقت و وفاداری تزلزل نا پذیر اعضا و هواداران آن به اندیشه و اهداف که در برنامه حزب انعکاس یافته است - بوده است.

در این دوران دشوار حزب به مثابه پیش‌آهنگ سیاسی جسور مردم ما برای دستیابی به هدف خود، یک بار دیگر خصلت ملی، درک مسولیت وطن‌دوستانه در برابر سرنوشت کشور و مردم ما — به نحوی درخشانی تبارز داد.

این حقایق در آگاهی واز خود گذشته گی بی نظیر اعضای ان در بدترین شرایط، در اسناد حزب، در جلسات کمیته مسول داخل کشور و فیصله‌ها و تصامیم ان به مثابه نمای روشن آگاهی، پخته گی و مسولیت سیاسی ان، انعکاس یافته است.

اوضاع سیاسی — اجتماعی کشور سریعاء به سوی وخامت مزید و غیر قابل پیشبینی انکشاف میافت. پیگرد و زندانی ساختن دسته جمعی اعضا و کادرها و بخش از رهبران، اختناق سیاسی و تذیقات پلیسی تشدید و ابعاد گسترده ای میافت.

این وضع حزب و افسران هوادار انرا به اقدامات جدی وادار میساخت

در استانه قیام به کمک مستقیم تبهکاران تنها در یک شب ۱۳ تن از بهترین افسران جوان، دلاور و فداکار کشور دستگیر و تیر باران گردیدند

قیام ۲۰ حوت ۱۳۵۷ که مظهر درخشان اراده، شجاعت و نبرد بهترین فرزندان وطن ما — نتیجه ناگذیر — طبیعی سیاست‌ها و اعمال رژیم علیه مردم و قبل از همه علیه حزب، بوده است

در شکست قیام به دست تبهکاران (باسابقه عقاید افراطی) از داخل حزب، دستگاه‌های اطلاعاتی خارجی آگاهانه و برنامه ریزی شده و مدهوشانه نقش کاملاً واضح داشته اند.

قیام ۲۰ حوت صفحه نوین در نبرد حزب در شرایط فوق العاده دشوار مخفی بوده است. در باره این قیام، ناگذیری و شکست ان همرا با عوامل و عناصر که در شکست ان رول بلا واسطه داشته اند با تفصیل در فرصت مناسب خواهیم نوشت!

اعضای حزب بعد از این قیام به نحوی تصور نا پذیر و غرور بر انگیزی، متحد و یک پارچه و با اعتماد و احترام بدور "کمیته مسول داخل کشور" حزب دموکراتیک خلق افغانستان حلقه زدند.

نگاه به فیصله‌های برخی از جلسات حزب در شرایط اختفا

جلسات کمیته مسول داخل کشور , فیصله ها و تصامیم حزب در این دوران نما و توضیح روشن حقیقت درک ,باور و سیاست حزب در این دوران است و نیازی به گمانه زنی و تلاش برای کشف "حقایق" ندارد

فیصله های تاریخی جلسه حمل ۱۳۵۸ کمیته مسول داخل کشور

فیصله های تاریخی جلسه حمل ۱۳۵۷ حزب در شرایط که در کشور ترور و اختناق مرد را به ستوه آورده بود— نمایش پخته گی سیاسی ,درک ,باور خلل با پذیر ,وفاداری و صداقت به حزب,اندیشه های فروزان ازادی ,عدالت و ترقی در کشور است.

جلسه تحت ریاست ظهور رزمجو و با اشتراک :

امتیاز حسن

جمیله پلوشه

محمد اصف

و اینجانب (نسیم جویا) , دایر گردید,

در این جلسه:

— اوضاع جاری سیاسی — اجتماعی کشور مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت.

— یک بار دیگر به باورو وفاداری خلل نا پذیر حزب به اهداف و اندیشه تعیین شده در اسناد حزبی تاکید گردید.

— قیام ۲۰ حوت به بحث گذاشته شد

— پیرامون ضرورت کار هدفمند و وسیع میان مردم , دیگر جناح ها,گروه ها و حلقه های حزب و سایر احزاب,سازمان ها و گروه ها بحث گردید.

— روی ضرورت حفظ متانت,خونسردی سیاسی و جلوگیری از دست زدن به ماجرا جویی سیاسی تاکید گردید.

— وظیفه سپرده شد (به اینجانب) در تماس با سایر احزاب، سازمان‌ها و گروه‌ها آنها را از دست زدن به ماجراجویی سیاسی بر حذر گردد.

— شیوه‌ها و دشواری‌های مبارزه در شرایط دشوار اختفا مورد بحث قرار گرفت

جلسه ۲۷ سنبله ۱۳۵۸ کمیته مسول داخل کشور

این جلسه که دو روز بعد از قتل نور محمد تره کی منشی عمومی حزب (جناح حاکم) و ریس دولت دایر گردید جا، نقش بسیار با اهمیت در تاریخ حزب و به طور خاص در شرایط فوق العاده دشوار اختفا را دارا است

جلسه تحت ریاست ظهور رزمجو به اشتراک:

امتیاز حسن

جمیله پلوشه

محمد اصف

کریم بها

و اینجانب (نسیم جويا) دایر گردید

در این جلسه:

مسائل حاد سیاسی ناشی از انکشافات اوضاع سیاسی کشور و حزب مورد بحث قرار گرفت:

— اوضاع در داخل حزب، پیشنهادات اعضای حزب بر رسی گردید، به طور خاص نا رضایتی و انتقادات افزایش یابنده و اشکار از سیاست‌ها و برخورد‌های گروه حاکم در جناح "خلق" حزب مورد بررسی قرار گرفت.

— جلسه سناریوهای مختلف احتمالی انکشاف اوضاع سیاسی در کشور را مورد بررسی قرار د

اد

— سیاست روشن جلو گیری از سقوط دولت به دست نیرو های تاریک و ارتجاعی و آماده گی سیاسی — نظامی لازم در این صورت, مورد بحث قرار گرفت .

— باید به جدایی کامل و روشن نیرو ها و تمایلات سالم , دموکراتیک " و "اصولی در جناح "خلق" حزب کمک و انرا تسریع کرد

— از هر نوع اقدام نظامی پیش از وقت خود داری کردد

— به کار وسیع میان مردم پرداخت,

— با احزاب , سازمان ها و گروه های مخالف رژیم که با حزب وجوه مشترک دارند, تماس ها توسعه و تسریع گردد و انها را از ماجراجویی سیاسی و نظامی بر حذر ساخت.

حزب در روشنایی این فیصله ها

حزب بر پایه فیصله های کمیته مسول داخل کشور به کار وسیع میان مردم, احزاب, سازمان ها و گروه های مختلف سیاسی دگر اندیش و ترقیخواه پرداخت.

حزب همچنان به کار وسیع میان همه جناح ها حزب که در عمل و به نحوی روشن علیه سیاست رژیم به پا خاسته بودند, پرداخت.

حزب با شایسته گی و خردمندانه طی مذاکرات با احزاب , سازمان ها و حلقه های سیاسی سالم اندیش مشی تفاهم و اتحاد عمل میان نیرو های دموکراتیک و مترقی کشور برای انها اراه کرد

حزب با احساس مسولیت در برابر مردم, سرنوشت وطن و جنبش دموکراتیک و ترقیخواه کشور انها را از دست یازی به اقدامات پیش از وقت

و ما جراجویانه بر حذر میساخت.

بدینسان رهبری حزب در اختفا به خصلت ملی و کرکتر دموکراتیک حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه گردان رزمنده و پیش اهنگ شجاع مردم در نبر انها برای آزادی , عدالت و ترقی همچنان معتقد, صادق و وفادار باقی ماند.

این ها همه نشان اعتقاد عمیق و اتکای حزب به نیروی مردم افغانستان است و نه چشم دوختن نا

بخردانه به مداخله از خارج !

بر عکس این گروه حاکم در رهبری دولت بود که در نتیجه سیاست‌ها، اقدامات و عملیات آن، دیگر نه در داخل جناح خلق، نه در دولت، نه در میان مردم و نه در میان نیروهای دموکراتیک و سالم اندیش دیگر هیچ‌نوع پایگاه و تکیه‌گاه نداشت و بدینسان منطقی‌ترین توجه به تقاضای مداخله از خارج راه دیگر برای بیرون رفتن از وضعی که دوام آن دیگر ناممکن گردیده بود، نمی‌توانست ببیند.

حزب، سیاست و برخورد آن با اتحاد شوروی پس از قیام ثور

اهمیت تاریخی — سیاسی این یا آن پدیده، گرایش، حادثه و یا دشواری را می‌توان نه به صورت تجریدی و التقاطی از متن حوادث بلکه در دیالکتیک روند پدیده‌ها، جریان‌ها و حوادث اجتماعی — سیاسی و روابط آن‌ها (ملی و بین‌المللی) با یکدیگر جستجو و درک کرد.

با فروپاشی اتحاد شوروی — جهان و روابط بین‌المللی وارد مرحله نوین گردید — مرحله که بحران در نظام، نورم‌ها و معیارهای معمول و پذیرفته شده در سیاست، اخلاق، عادات و رفتار دول و ملل و انسیتوت‌های بین‌المللی از مشخصات آن است.

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مثابه تکان لرزاننده این پروسه را تسریع کرد و اینک جهانیان بهت زده شاهد پیدایش و شکل‌گیری سیاست‌ها، اخلاق، رفتار و ادبیات سیاسی نوین سیاسی در مقیاس بین‌المللی هستند.

مفاهیم به سان "سیاست خارجی" به طور کلی، "استقلال سیاسی"، "حاکمیت ملی"، "عدم مداخله در امور داخلی... .."، "دستخوش دگرگونی شگفت‌انگیز گردیده است و دیگر ارزش معمول و قبول شده قبلی خود را از دست داده اند

انقلابات پیهم تکنوترونیک — انقلابات پیهم در تکنیک و تکنولوژی اطلاعات و ارتباط میان انسان‌ها، رمزها معمول و سنتی جغرافیایی — سیاسی را دستخوش دگرگونی‌های جدی نمود و زمینه را برای "برای سرمایه داری فارغ از استطکاک" و "گلوبالیسم" به معنی واقعی این کلمه را مساعد ساخته است.

بدون اشتباه و مبالغه نظام، نورم‌ها و معیارهای معمول گذشته در سیاست، اخلاق، عادات و رفتار دول و ملل و انستیتوت‌های بین‌المللی با "هیات" و هویت سیاسی قدیم آن دیگر در موزیم "سیاست" عهد عتیق در "کنار دوک نخرسی و تبر مفرغی" پرتاب گردیده است

حوادث جاری در سوریه، لیبیا، مصر... نشان‌دهنده چه، ناشی و بر پایه کدام سیاست، طرز برخورد و اخلاق و رفتار بین‌المللی به وقوع می‌پیوندد؟

بر این بنیاد و از این زاویه امروز قیام نظامی ثور ۱۳۵۷ و انکشاف سیاسی شش‌جدی را با کدام هدف سیاسی چگونه میتوان ارزیابی کرد و به آن برخورد کرد؟

مسئله اساسی در سیاست و وظایف مبرم ما چیست؟

با اطمینان کامل کشف رابطه حزب دموکراتیک خلق افغانستان - حزب که در شرایط اختفا به خاطر اهداف و اندیشه‌های نجیبانه آزادی و تلاش برای کار به نفع مردم ما مبارزه میکرد (حزب که دیگر با این نام در صحنه سیاسی کشور دیگر حضور ندارد!) و اتحادشوروی که اینک بیش از ۲۲ سال از فروپاشی آن می‌گذرد - مسئله اساسی سیاست و وظایف مبرم ما نیست!

علاوه بر این سوال میشود روابط یک حزب که در شرایط دشوار اختفا علیه رژیم فعالیت میکرد با کشور که رسماء این رژیم را حمایت و به آن کمک میکرد - چگونه میتواند باشد؟

واقعیت این است که اتحادشوروی با حمایت واضح آن از رژیم و گروه حاکم در رهبری حزبی و دولتی شک، تردد و نگرانی اعضا و هوادان این حزب، احزاب، گروه‌ها و حلقه‌های مترقی را در کشور برانگیخته بود.

این پیچیده‌گی و عدم اعتماد در رابطه با "اتحاد شوروی" نه فقط در میان نیروهای دموکراتیک کشور بلکه در داخل حزب و در تمام سطوح آن به شمول کمیته مسول داخل کشور انعکاس کاملاً روشن یافته بود چنانچه در جلسه ۲۷ سنبله ۱۳۵۸ اینجانب با صراحت تمام از این برخورد، سیاست و اقدامات در رابطه با کشور ما و حزب انتقاد جدی نمودم، که با دلایل نامناسب بودن زمان، وضع سیاسی حساس کشور و حزب پس از قتل بیرحمانه نور محمد تره کی منشی عمومی و ریس دولت و اینکه این تنها از صلاحیت رهبران حزب در خارج کشور است، به آینده موکول گردید

پس چه باید کرد؟

باید وضع موجود در طرز دید و برداشت و بدینسان در رسانه های گروهی، روزنامه ها، مجلات، صفحات در انترنت، رادیو، تلویزیون ... را از میان برداشت

حزب بر پایه درک عمیق مسولیت خود در برابر سرنوشت کشور، مردم ما به طور قاطع به سیاست دراز مدت کار میان مردم، جناح ها، گروه ها و حلقه های داخل حزب و قبل از همه جناح خلق حزب و دیگر نیرو های دموکراتیک و ترقی خواه کشور و بدینسان به نیروی مردم ما و تلاش برای ارتقای مستدام گاهی سیاسی - اجتماعی آن، اتکا داشت و نه به نیرو های خارجی و یا ماجراجویی سیاسی

از این رو هر نوع وحدسیات و گمانه زنی ها و تلاش برای کشف جدید در رابطه ورود قطعات نظامی اتحاد شوروی به افغانستان و نقش کمیته مسول داخل کشور در آن کاملاً بی اساس و به مثابه تخریش و تخدیش یکی از صفحات درخشان در تاریخ مبارزه حزب محسوب میگردد!

این همچنان مخالف واقعیت های تاریخی - سیاسی روابط افغانستان و اتحاد شوروی است که دارای دو نظام اقتصادی - سیاسی کاملاً متفاوت و از این رو طبعاً پتانسیل اختلاف و تفاوت در برداشت، درک و برخورد در این یا آن مسله سیاسی میتواند باشد.

انچه ما را با اتحاد شوروی پیوند میداد واقعیت های تاریخی - سیاسی اند:

افغانستان و اتحاد شوروی را شباهت و نزدیک اندیشه ها و سیاست در بسیار از مسایل و دشواری های بین المللی، پیوند میداد

دفاع از صلح، همکاری و دوستی ملل، حمایت و پشتیبانی از جنبش های آزادی بخش ملی در سراسر جهان، وجوه مشترک میان افغانستان و اتحاد شوروی بوده است

سهام گیری فعال و بی شایبه اتحاد شوروی در رشد و ترقی اقتصادی - تخنیکی و فرهنگی کشور ما،

مردم افغانستان با قدردانی و احترام اعمار پروژه های عام المنفعه در تمام سکتور های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی را به خاطر میاورند.

اتحاد شوروی با درک و احترام از افغانستان در مجامع بین المللی حمایت کرده است
این ها اند وجوه مشترک میان کشور ما و اتحاد شوروی!

برخی از مسایل اساسی در سیاست در اوضاع کنونی کشور

- جلب تمرکز توجه دوامدار، فعال و ثمربخش جامعه جهانی به باز سازی افغانستان و اجرای عملی "تعهدات جامعه جهانی" برای پایه برنامه شفاف و سنجیده شده،
- تسریع پروسه اتحاد نیرو های دموکراتیک و ترقیخواه کشور، توسعه، تعمیق و تحکیم پایه های آن و سرانجام تشکیل یک حزب نیرومند سیاسی، حزب که از میان مردم و برخاسته باشد و با رنج ها و درد های آن رابطه داشته باشد، پیشا هنگ جسور سیاسی
- مرد م در مبارزه برای به سر رساندن اندیشه ها و اهداف مطروحه آن
- احترام، حمایت و کمک به رهبران و شخصیت های این اتحاد. این احترام، حمایت و کمک نباید معنی هدف و یا هوس مداخله در امور احزاب، سازمان های و شخصیت های سیاسی که این اتحاد را به وجود آورده اند، بدهد
- آماده گی سیاسی کافی برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری کشور
- آماده گی سیاسی – امنیتی برای دفاع از دست آورد های ولو نا چیز دموکراتیک مردم، جلوگیری از سقوط کشور به دست ارتجاع و حامیان آنها – پس از خروج قطعات نظامی خارجی.
- این ها اند از نظر من خطوط کلی مسایل و وظایف اساسی که در برابر نیرو های دموکراتیک و مترقی کشور ما قرار دارد

جلب تمرکز توجه و مساعی جهان به اجرای "تعهدات" آنها در عمل

با در نظر داشت وضعیت اقتصادی – اجتماعی اسفناک کشور، امکانات و ظرفیت های واقعی اقتصادی – تخنیکی کشور و با توجه خاص افکار عمومی در جهان مسله اساسی در سیاست برای رهبران افغانستان و همه انهای که ترقی کشور و اعمار یک حیات شایسته برای مردم چنین حزن انگیز فقیر ما، مهم است مسله اساسی در سیاست و جامعه در افغانستان، بحث در مورد وضع موجود سیاسی – اقتصادی کشور، نتایج اقتصادی – اجتماعی، سیاسی – امنیتی، وضع

کنونی "مبارزه علیه تروریسم" غرب , چگونه گی وضع انجام "تعهدات" غرب برای "بازسازی افغانستان" که بلا وقفه و با بوق و کرنا صلیب وفاداری به انرا به سینه میکشند و آینده ان — است, نه بحث های "دانشمند مابانه"(دور از دانش ودور از فرهنگ فراموش نکردن!), کاملاً بی مورد, و بی بنیاد در باره حزب همرا با لجن پراگنی به سوی ان!

سوال که در برابر رهبران, شخصیت های سیاسی کشور و همه انهای که برای شان داعیه بزرگ ملی مبارزه برای اعمار یک حیات شایسته برای مردم چنین حزن انگیز فقیر و کشور ویران ما — عزیز است, این است که :

نتایج اقتصادی — سیاسی و اجتماعی این به اصطلاح "حضور فعال" پس گذشت نزدیک به ۱۲ سال چیست و آینده ان چگونه باید برنامه ریزی کرد, به ان شکل داد و جنبه عملی بخشید؟

حدود بیشتر از ۱۱ سال قبل طی نامه سر گشاده به آقای کرزی ضمن پیشنهادات مشخص در تمام عرصه های اقتصادی — اجتماعی خاطر نشان کرده بودم:

"محک و معیار شناخت استعداد و مهارت سیاسی و شایسته گی رهبران موجود کشور به شمول ریس جمهور در وادار ساختن جامعه جهانی به انجام "تعهدات" انها است که این همه صلیب وفاداری به ان را به سینه میکشند!"

جلب تمرکز دومیادار توجه جامعه جهانی و دوام حضور فعال غیر نظامی سازنده (با برنامه کاملاً روشن رشد اقتصادی — اجتماعی) ان رادر افغانستان , به مثابه مسله اساسی سیاسی در کشوره یاد اوری گردیده بود!

دراین نامه در برابر رهبران, شخصیت های سیاسی پر نفوذ کشور , احزاب , سازمان ها و سایر انستیتوت های سیاسی — اجتماعی در افغانستان , این سوال قرار داده شده بود:

"رهبران افغانستان, احزاب , سازمان ها, شخصیت های سیاسی پر نفوذ افغانستان, کشور شانرا پس از خروج نظامیان خارجی چگونه میخواهند ببینند؟

کشور که دران: "مرده گان" به مسلسل و توپ بسته شده اند, ویرانه های که به ان مضافاً انواع بمب ریخته شده است!؟

کشور که دران بنیاد گرایی در تفکر, اندیشه و سیاست, تروریسم با اشکال متعدد وحشتناک ان سایه تاریک و شوم بر کشور و زنده گی مردم انداخته است!؟

کشور که ازان به مثابه پولیگون آزمایش ها, تخنیک و تکنالوژی نظامی — امنیت مدرن و جمع اوری تجا رب شیوه ها و تکتیک نظامی — امنیت, مورد استفاده قرار گرفته است و با انواع ذهر الوده گردیده است!؟

کشور که میدان سو تفاهمات و تصفیه حساب های قدیم و نمایش موجودیت و تفهیم منافع, مبدل گردیده است!؟

کشور که تحت سیطره خونین مافیای تمام عیار جنگ — سیاست — هروهین — "دین" ویا اختاپوت خونخوار منطوقوی با ریشه های عمیق جهانی تاجران که دران معامله داران بزرگ مواد مخدر, اسلحه, ثروت طبیعی, دزدان اشیای عتیقه و گران بها از سراسر جهان, نیکوکاران فاقد هر نوع ارزش نیکوکاری, ملا های بی وقوف و ساده لوح که که خلاف دین و مقدسات ما تارکان دیوانه دنیا دست میاموزند و به انها بشارتنامه دخول به بهشت را میدهند و انها را به سان به اصطلاح "گوشت دهن توپ مورد سو استفاده قرار میدهند, سیاست بازان بی استعداد و مکررا شکست خورده, نظامیان مغرور, مدهوش و بی آینده — نقش معین دارند, قرار دارد؟

و یک حکومت و یا بهتر تر ناظر "سیاسی" خیراندیش که بزرگترین استعداد و بهترین کار ان را ریختن اشک سوزان در برابر اجساد هموطنان شان و ویرانه های پس از یک انفجاری ویا پس از دریافت خبر "بد رفتاری خارجیان" را تشکیل میدهد!

ویا

کشور که دران مردم ان اساساً, وسایل و امکانات اقتصادی — تخنیک و تکنولوژیکی اعمار یک حیات مسعود و مطمین برای خود و یک کشور نوین, نیرومند و دمو کراتیک را بدست آورده اند؟

این است مسله اساسی در مرحله موجود انکشاف اوضاع سیاسی — اقتصادی کشور — بحث در باره حقیقت، حقیقت نزدیک به ۱۳ سال "حضور فعال" بزرگترین قدرت های اقتصادی — تخنیکی جهان و نتایج آن میتواند نیرو های دموکراتیک و وطنخواه را در مبارزه شان برای یک حیات بهتر برای مردم ما، متحد و یکپارچه سازد و نه تحت عنوان گدایی "بحث علمی" ناسزا گویی به حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به مثابه یک نام پر از افتخار و یک چوکات سیاسی — سازمانی!

تلايه داران مصمم مبارزه برای آزادی، عدالت و پیشرفت، اعمار یک زنده گی ابرومند برای خلق ما میتوانند و باید نام و چوکات سیاسی دیگر را برای تجمع و هجوم به سوی دشمنان آزادی، کار و ترقی — انتخاب نمایند.

حال از چه قرار است؟

افغانستان نزدیک به ۱۲ سال پس از سقوط طالبان، حضور نزدیک به ۶۰ کشور به شمول ثروتمند ترین و پر قدرت ترین کشور های جهان، ناتو (ناتو!) اظهار احترام، حمایت و کمک "جامعه جهانی"، کشور است که در آن شعله ها جنگ ویرانگری زبانه میکشد و سراسر کشور را فراه میگردد، کشت، تولید، قاچاق، خرید و فروش مواد مخدر به مصیبت ملی و بین المللی مبدل گردیده است،

باز سازی "اینک بیشتر شبیهه آیات از کتابچه شیطان گردیده است که میخواهند عند الضرورت انرا به گوش مردم ساده لوح فلوت نمایند — چیزی که دروغ پراگنی و جعل سازی با باد بخار عجیبی انرا همراهی میکند، در باره ایجاد دولت حقوق بیناد تنها از رسانه های خبری جهان اطلا ع میابیم — دولت که مردم انرا در زنده گی روزمره به نحو حزن انگیز چنین نایاب حساس مینمایند، ریختن بنزین به آتش بی اعتمادی و خصومت ملی — لسانی منطقوی همچنان با بی مسولیتی و کوتاه فکری محض ادامه دارد

متحدین که دیروز خود انگیخته "همبستگی غیر محدود" و خلل ناپذیر خود را با یکدیگر تکرار میکردند، اینک اشفته فکرانه و هراس الود هریک بر پایه خیال و منافع خود در حال جستجو راه های فرار اند، فزاد مسولیت در اتحاد دو اطلبانه با یکدیگر، فرار از انجام "تعهد" برای بازسازی کشور که

به طور انقطاع نا پذیر صلیب وفاداری به انرا به سینه میکشند — باز سازی کشور که خود در ویرانی ان سهم غیرقابل انکار داشته اند و سرانجام فرار از مسولیت و وظیفه عظیم مبارزه علیه بنیاد گرایی، خشونت مذهبی و تروریسم — ، وظیفه که انجام ان هدف اصلی هجوم "جامعه جهانی" به افغانستان و سرنگونی رژیم طالبان بود، اند

این یکی از "عبث بودن" این جنگ سخن میگوید و شعار "افغانستان را به حال خود رها کنید" را سر میدهند وان دیگری با چشمان بزرگ به سوی مناطق ثروتمند در منطقه خیره شده اند و برای راندن "حریف" ، "طالبان" خود را به مصاف ان به میدان میکشد و عده هم لنگ لنگان دیگران را دنبال میکنند،!"

چنین است منظره حزن انگیز و تشویش اور سیاسی کشور در استانه "خروج" نظامیان این کشور ها و چنین است حقیقت فرصت ،امکان و چانس تاریخی که مدهوشانه و با نوعی از "کا که گی" سیاسی بر باد داده شده است، فرصت که مردم رنج دیده ما انرا برای برداشتن گام های استوار به سوی اعمار یک افغانستان نوین و دموکراتیک حق و ضرورت داشته اند

اما همه راجع به "تغییر استراتیژی" و "دوام انجام تعهدات!" سخن میگویند

انچه در عمل فقدان ان احساس میگردد، درک و در نظر داشت این حقیقت است که تنها "استراتیژی حوصله" ، متانت و پایداری سیاسی — اخلاقی دومیار و هم اهنگ ، کار جدی ، برنامه ریزی شده و ثمر بخش برای بازسازی این کشور به موفقیت "جامعه جهانی" در افغانستان مساعدت کند، است! — موفقیت در اعمار افغانستان — استراتیژی که با اطمینان قوی الترناتیف دیگر ندارد

از این رویک باردیگر ۴ سال به اقای کرزی ، برخی از مقامات در افغانستان و خارجی در رابطه با دامن زدن به شک و تردید ها در درستی موجودیت قوای خارجی در کشور ما و توجه به برخی کشور های دریگر در منطقه ما با صراحت یاد اور شده بودم :

"...راه به سوی یک منطقه ازاد، با ثبات و شگوفان که در ان مردمان منطقه ما وجهان در ان منافع خود در یابند از یک افغانستان دموکراتیک ، نیرومند ، افغانستان که مردم ان وسایل و امکانات

ضروری کار برای اعمار یک حیات شایسته باشد , میگذرد... " , راه سوای این وجود ندارد , این حقیقت است که تجارب سیاسی تمام موجودیت منطقه ما انرا به روشنی نشان داده است!

"...و اصطلاح " کمک " به کشور ما اصطلاح نا مناسب است. واقعیت این است که وضع موجود کشور نتیجه سیاست ها و برخورد نا درست جامعه جهانی است و بهترین کمک به افغانستان , پاک نمودن کثافت سیاسی است که سال ها پیش از خود در افغانستان به جا گذاشته اند, است ..."

باز سازی و ساختمان افغانستان نوین, نیرومند و شگوفان تنها و بهترین پاسخ منطقی — طبیعی نه فقط به دشمنان تمدن جهانی است بلکه تثبیت و نمای قابلیت اعتماد, صداقت انها در برابر اذهان عامه کشور های خود شان و جهان است

آخر مردم افغانستان قطعات نظامی غرب را به کشور شان دعوت نکرده اند!

مردم افغانستان و در پیشا پیش ان نیرو های دموکراتیک و ترقیخواه ان با درک و آگاهی به "عملیات علیه تروریسم" , علیه انهایی که تمدن و ترقی را در جهان و ظهور یک افغانستان دموکراتیک , نیرومند, شکوفان و مترقی را نشانی گرفته اند , دین و اعتقادات مذهبی مردم ما را به مثابه وسیله ایدولوژیک و تارکان د یوانه دنیا را به مثابه گوشت به اصطلاح "دهن توپ" مورد سوی استفاده قرار میدهند — نگریستند!

این "جامعه جهانی" است که کنون دین سیاسی — اخلاقی خود را در برابر کشور ما و مردم ان ادا کند و نه سوگند وفاداری گاه و بیگاه به اجرای "تعهدات" ویا به اصطلاح "کمک" انهم همراه با تکبر و تفاخر!

چنین است برخی از مسایل , دشوارها و گرایش ها درسیاست در رابطه به افغانستان و اطراف ان که به نظر من باید در مورد ان بحث کرد پیش از ان که بسیار نا وقت گردد و پیش از انکه به مردمی شهرت یابیم که فرصت از دست نمی دهند که فرصت را از دست بدهند!

با این وجود باید گفت:

واقعیت این است که در افغانستان کار زیادی در زمینه بازسازی صورت گرفته است پول های هنگفت هم به افغانستان سرازیر شده است.

تنها ایالات متحده طبق گزارشات مطبوعات رسمی امریکا در سالهای گذشته ۲۷ میلیارد دالر (۲۷ میلیارد!) برای بازسازی افغانستان مصرف کرده است!

اما سوال اساسی این نیست که کدام کشور چه مقدار پول به افغانستان به اصطلاح "کمک" کرده است, سوال این است باین کمک ها و پول ها

چه چیز, با کدام کیفیت, با کدام ارزش واقعی ساخته شده است؟

افغانستان کشور است که اراضی قابل استفاده ان طبق احصایه های تخمینی نه بیشتر از ۹ فیصد است یعنی در حدود اندکی بیشتر از ۶۰ هزا کیلو مترمربع!

اگر این ۶۰ هزار کیلومتر مربع را به مجموع کشور ثروتمند که در افغانستان "حضورفعال" دارند تقسیم گردد به هریک از این کشور ها برای "بازسازی" میرسد! $1000-1500 \text{ Km}^2$ نه بیشتر از

و اگر ولایات افغانستان را به این کشور ها و یا ایالات چون نیویارک, توکیو و یا باین تقسیم گردد به هر دو کشور بزرگ و ثروتمند و یا بیشتر از ان یک ولایت (یک ولایت!) افغانستان برای بازسازی میرسد!

اینک اما پس از نزدیک به ۱۲ سال "حضور فعال" جهان به شمول بزرگترین و پرقدرت ترین کشور های جهان, وضع اقتصادی - اجتماعی, سیاسی و فرهنگی کشور از چه قرار است؟

ایا واقعیت های کنونی "بازسازی" افغانستان با هیاهوی غرب دراین مورد مطابقت و تناسب دارد؟ سوال میشود؟:

با این همه پول پس از گذشت نزدیک به ۱۲ به کمک این کشور ها و پیش از همه به کمک بزرگترین قدرت های اقتصادی - تخنیکی جهان چند مجتمع بزرگ خانه سازی, سرک و شهر سازی در چند ولایت کشور اعمار گردیده است و برای انکشاف این سکتور چه مقدار سرمایه گذاری گردیده است؟

افغانستان کشور است افتابی و دارای هوای فوق العاده مساعد برای تولید انرژی برق با استفاده از افتاب و هوا است, سوال میشود:

با این همه پول پس از گذشت نزدیک به ۱۲ سال به کمک این کشور ها و پیش از همه با کمک بزرگترین قدرت های اقتصادی – تخنیکی جهان چه ساخته اند تا کشور را از نظر انرژی برق پاک تامین و خودکفا گردد, کنون ما از ازبکستان , تاجیکستان و سایر کشور ها برق وارد کشور مینماییم؟

با این همه پول پس از گذشت نزدیک به ۱۲ سال به کمک این کشور ها و پیش از همه با کمک بزرگترین قدرت های اقتصادی – تخنیکی جهان چند مجتمع علمی – تخنیکی , دانشگاه , مکتب مدرن اعمار گردید است در کدام ولایت کشور و چقدر پول در ان سرمایه گذاری گردیده است؟

با این همه پول پس از گذشت نزدیک به ۱۲ سال به کمک این کشور ها و و پیش از همه با کمک بزرگترین قدرت های اقتصادی – تخنیکی جهان چند شفاخانه مدرن مجهز با تخنیک و تکنولوژی پیشرفته در چند ولایت کشور اعمار گردیده است ؟

با این همه پول پس از گذشت نزدیک به ۱۲ سال به کمک این کشور ها و و پیش از همه با کمک بزرگترین قدرت های اقتصادی – تخنیکی جهان چند مجتمع بزرگ ابیاری , فارم های نمونه واموزشی زراعت و مالداری در چند ولایت کشور اعمار گردیده است ؟

با این همه پول پس از گذشت نزدیک به ۱۲ سال به کمک این کشور ها و و پیش از همه با کمک بزرگترین قدرت های اقتصادی – تخنیکی جهان چند دانشگاه , انستیتوت های برای آموزش و تحصیل افسران اردو , پولیس و امنیتی ملی اعمار گردیده است ؟

به این مسایل به طور مبسوط خواهیم پرداخت!

تا بسیار دیر نگردیده باید نیرو های دموکراتیک و ترقی خواه کشور, رهبران , شخصیت های سیاسی – اجتماعی و همه مردم افغانستان متحدانه راه ها, وسایل و شیوه های معقول و موثر برای دستیابی به این هدف را جستجو و دریابند.

■ **اگر قرار** این است که سیما زنده گی مردم افغانستان و بدینسان سیمای شهرها، قریه‌ها تغییر یابد در انصورت باید سیاست و برخورد نوین به مسئله خانه سازی، شهر و سرک سازی طرح و عملی گردد.

باید مجتمع‌های بزرگ خانه و سرک سازی را اعمار و سرمایه گذاری وسیع و برنامه ریزه شده در این زمینه گردد

■ **اگر قرار** است که کشور سرسبز که دارای نیروی محرکه قوی برای رشد اقتصادی – اجتماعی باشد، اعمار گردد، باید این کشور برقی ساخته شود. افغانستان کشور است دارای ذخایر، منابع و امکانات بزرگ انرژی آفتاب، هوا و آب – منابع و امکانات مهم برای برقی ساختن سریع کشور است.

■ **اگر قرار** است که افغانستان به کشور خود کفا مبدل گردد، باید با اعمار مجتمع‌های بزرگ آبیاری، وارد نمودن و سرمایه گذاری برای تکنیک، ماشین‌الات، تکنالوژی زراعتی توجه اساسی جدی صورت گیرد

فارم‌های بزرگ آموزشی و نمونه در زراعت، مالداري و باغداری و جنگلداری به شمول فارم‌های مشترک اعمار گردد تا زمینداران و دهاقین بیاموزند چگونه زراعت، باغداری و مالداري بهتر و ثمر یخش میتوانند داشته باشند

زراعت کشور از "سیاست" عرضه بی هدف به زراعت بر پایه تقاضا و بدینسان ضرورت افزایش ظرفیت‌های تقاضا یعنی اعمار فابریکات کوچک و متوسط تولید محصولات زراعتی، باغداری و حیوانی، تغییر یابد.

در یک جمله افغانستان به یک انقلاب سبز نیاز دارد.

■ **اگر قرار است** افغانستان دارای قوای مسلح (اردو، پولیس و امنیت ملی) نیرومند، دارای قابلیت کافی مبارزه علیه دشمنان ظهور یک افغانستان نوین، شگوفان و نیرومند، علیه "تروریسم" را داشته باشد – در انصورت باید مکاتب، دانشگاه‌ها و انستیتوت‌های نظامی – امنیتی مدرن، مجهز به سلاح، تکنیک و تکنالوژی مدرن اعمار گردد

راه ها، امکانات و وسایل خود کفایی آنها مورد توجه و مطالعه قرار گیرد و نه هیاهو در باره قوای مسلح ملی!

▪ اگر قرار است به افغانستان کمک پولی — مالی گردد و دارای سیستم پولی با ثبات باشد — این به هیچ وجه با نشر و وارد نمودن پول انهم افغانی از خارج میسر و ممکن نیست. باید اصلاحات واقعی و سریع در نظام پولی — مالی کشور عملی گردد، با توجه مستدام به نقش و مقام بانک مرکزی کشور باید به تقویت بانک های خصوصی توجه گردد و از پیدایش بانک های نوین خصوصی حمایت گردد.

افغانستان امکانات و امتیاز سویس بانک های افغانستان و جهان داده شود — این بهترین راه برای "کمک" پولی به کشور ما، افزایش امکانات و توانایی پولی کشور و مردم ما میتواند باشد. این همچنان معنی افزایش و موثریت امکانات نظارت بر روند معاملات پولی را دارد!

▪ باید گفت که مهمترین فکتور ترقی و افزایش ثروت کشور نیروی انسانی ان است، از این رو باید به جوانان و کودکان کشور، آموزش و پرورش آنها، تحصیلات عالی و مسلکی برای جوانان توجه جدی گردد و سیاست آموزش، پرورش، تحصیلات عالی و مسلکی باز نگریسته و ارزیابی مجدد گردد.

اعمار هزاران "مکتب" نام نهاد و افزایش عجیب "دانشگاه" ها به چه هدف معطوف و خدمت مینمایند؟

باید به جوانان کشور، آموزش، پرورش و تحصیلات عالی و مسلکی آنها به نحوی توجه گردد که در پایان دوره پیشبینی شده آموزش و تحصیل دارای کار مشخص و درآمد شایسته گردند — بدینسان گام استوار به سوی زنده گی بهتر بردارند!

تشکیل یک حزب نیرومند سیاسی، حزب که از میان مردم بر خاسته باشد و با "رنج های بیکران" ان رابطه داشته، حزب پیش اهنک سیاسی جسور و آگاه مردم، میتواند اتکا و ضامن قابل اطمینان جلوگیری از عقب گرد به سوی استبداد، بی عدالتی، دفاع از دست آورد های ولو ناچیز مردم ما و رهبری اطمینان بخش مردم به پیش به سوی اعمار یک حیات بهتر و یک

افغانستان نوین و دموکراتیک – باشد – این واقعا یک ضرورت است دارای اهمیت بزرگ تاریخی در مرحله موجود انکشافات سیاسی اوضاع کشور.

تاریخ افغانستان به صراحت کامل نشان داده است که بدون نادیده گرفتن و انکار همه آنچه به نام حزب بر مردم ما و قبل از همه بر حزب تحمیل گردید – حزب دموکراتیک خلق افغانستان – حزب وطن, حزب برخاسته از میان مردم و تنها حزب بزرگ عمیقا معتقد, صادق وفادار به ازادی, عدالت, ترقی و دموکراسی بوده است.

از این رو چنین یک حزب میتواند و باید با اشتراک فعال اعضا و هواداران حزب دموکراتیک خلق افغانستان – تشکیل گردد

باید به بزرگان حزب به سان نور احمد نور و صالح محمد زیری که نقش بزرگ انکار نا پذیر در شکل دهی سازمانی حزب, اهداف, سیاست و مشی ان و برای وحدت مجدد ان داشته اند, مراجعه گردد تا در آخرین بخش زنده گی سیاسی انها یک بار دیگر اعضا, هواداران, متحدین, همه مردان و زنان مبارز کشور ما را در برآورده نمودن یک چنین هدف به نحوی ثمربخش یاری نمایند.

ایتلاف نیروهای های دموکراتیک و ترقیخواه کشور به مثابه گام نخستین در سمت اتحاد وسیع این نیروها دارای اهمیت به سزای است. این اتحاد میتواند و باید به پیدایش چنین یک حزب, انکشاف یابد.

باید از این اتحاد, رهبران و شخصیت های سیاسی فعال و موثر ان با احترام حمایت و کمک گردد و به تحکیم, تعمیق و تکامل ان با تمام امکانات مساعدت گردد. چنین یک برخورد معنی مداخله در امور اتحاد و احزاب, سازمان ها, گروه ها و شخصیت های تشکیل دهنده این اتحاد را ندارد.

برخورد نوین به مسله مهاجرین سیاسی افغان در اروپا و نقش انها در حیات اجتماعی

پیش از همه پرسش به میان میاید که حاصل و نتایج این همه جلسات و گرد هم ایی های پر از مصرف و "بحث" های بی پایان کنون ۲۰ (بیش از ۲۰ سال!) ساله که نتایج ان از پیش کاملاً واضح است, برای کشور ما, مردم و مهاجرین افغان در اروپا و برای احزاب مربوط چیست و چه میتواند باشد؟

از این رو زمان آن فرا رسیده است که ضرورت برخورد نوین و جدی به سازمان ها، اتحادیه و شورا های سیاسی و اجتماعی مهاجران افغان مطالعه گردد و نیاز و امکانات تشکیل اتحادیه ها، انجمن ها و شوری های جدید بررسی گردد.

بہتر است کہ این سازمان ها، اتحادیه ها، انجمن ها و شورا ها به موسسات نیرومند، موثر و با نفوذ کہ هدف انرابہبود مستدام شرایط زندہ گی، دسترسی بہ تحصیل و کارشایستہ، بہبود و افزایش نقش و موقعیت مهاجرین افغان و قبل از ہمہ جوانان ما در جامعہ، متمرکز گردد ونہ فقط بہ اعمار مساجد، اشتراک در مراسم مردہ داری و عروسی ها محدود گردد

بزرگترین و مهمترین وظیفہ وطنخواہانہ کہ در برابر مهاجرین سیاسی افغان و طبعاً قبل از ہمہ شخصیت های شناختہ شدہ سیاسی و اجتماعی افغان قرار دارد، استفادہ از تمام امکانات برای جلب توجہ دوامدار، فعال و ثمربخش در تمام سطوح، دولت ها، احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی، شرکت ها و کانسرن ها، شخصیت های شناختہ شدہ سیاسی و اجتماعی در تمام عرصہ های زندہ گی برای "بازسازی" کشور ما و اجرای تعہدات انہا۔ است.

اگر شورای اروپایی بر پایہ برنامه روشن، سنجیدہ شدہ ہمراہ با مقامات احزاب، سازمان ها و گروہ های دموکراتیک و ترقیخواہ در اروپا سالانہ برای عدہ (ولو بسیار محدود) از جوانان کہ دارای تحصیلات مناسب اند و دسترسی با زبان و تکنیک و تکنالوژی معاصر دارند، کمک نماید کہ یک پروژہ اقتصادی۔ اجتماعی با ارزش برای خود این جوانان و کشور ما طرح و برای تحقق ان در عمل بہ دریافت راہ های تہیہ حد اقل پول برای تمویل ابتدایی و جلب حمایت لازم از داخل کشور های اروپایی مساعدت گردد و بہ افغانستان فرستادہ شود۔ سہم خواہد بود عملی و بزرگ برای اعمار یک حیات بہتر برای مردم ما

این ہمچنان سہم خواہد بود برای تبدیل افغان ها و قبل از ہمہ اعضا، ہواداران حزب۔ اعم ازملکی ها و نظامی های پر از غرور وازادہ و جوانان ما بہ عناصر فعال، نیرومند و موثر جوامع اروپایی و بدینسان جلوگیری از انجماد، انحطاط و مسخ معنوی بدینسان مساعد گردیدن زمینہ های سوء استفادہ از انہا بہ مثابہ متاع بی ارزش و یا ارزان در بازار بقالی۔ بازار بی هدفی ها و بی ارزشی ها کہ وسیعاً انکشاف دادہ میشود.

و از این رو باید به نقش روزنامه ها، رادیو ها، تلویزیون های افغان ها در خارج از کشور، صفحات اینترنتی توجه خاص کرد

رسانه های اطلاعات جمعی افغان ها در خارج از کشور میتوانند و باید نشرات منظم حاوی اطلاعات روشن و دقیق در مورد مهاجرین افغان کته گوری ها، حقایق زنده گی، تحصیل، کار و دشواری های آنها و مساعدت به مهاجران و قبل از همه جوانان ما برای اهداف یاد شده نقش موثر ایفا نمایند.

باید گذارشات تحلیلی و مستند، فیلم های مستند در مورد وضع موجود اجرای "تعهدات" برای "باز سازی" به زبان های خارجی بر پایه واقعیت ها همراه با بر آورد و ارزیابی متخصصین از تمام ساحه های مربوط تهیه و به نمایش قرار داده شود.

باید به هجوم اخلاقی – سیاسی سنجیده شده، معقول و متوازن اعضا، هواداران حزب و سایر نیرو های دموکراتیک ترقیخواه افغانستان، شخصیت های شناخته شده سیاسی، اجتماعی، فرهنگیان، دانشمندان، هنرمندان، نوسنده گان، ژرنالیستان و دست اندرکاران هنر فیلم و سینما.... همه با تمام امکانات و وسایل دست داشته و در تمام سطوح برای انجام عملی "تعهدات برای باز سازی افغانستان" که این همه با بوق و کرنا در باره ان دم میزنند، پرداخت و به آنها آگاهانه و صمیمانه کمک کرد و مشوره داد

باید حقیقت "حضور فعال" نزدیک به ۱۲ سال در افغانستان و مصرف "میلیارد ها دالر" برای بازسازی این کشور با فاکت و ارقام در معرض افکار عامه مردمان اروپا که این همه صمیمانه میخواهند با کمک آنها یک افغانستان نوین، مرفع و نیرومند اعمار گردد – به نمایش گذاشته شود و توضیح گردد!

با احترام

نسیم جویا